فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

License Number :94221 ((شماره دوم-پاییز ۱۴۰۲)) ISSN :2981-099X

بررسی کودک آزاری و ابعاد آن از منظر روانشناسی و حقوق کودکان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۰۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۰۶)

پریسا رستمی[۱]

دانشجو ارشد روانشناسی کودک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد

میلاد خلیلی

دانشجو دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد

چکیده

گاهی شنیده می شود که می گویند " بچه باید کتک بخورد تا آدم شود " و بسیار نکته های دیگر که به وفور در گفتگوهای مردم دیده می شود. این حکایت از رخنه کردن خشونت در فرهنگ کشور ما دارد.در این زمینه برخی از موافقان می گویند تنبیه های جزئی مانند پشت دستش زدن آسیب چندانی به کودک نمی رساند و فقط به او گوشزد می کند که باید رفتارش را درست کند. اما کارشناسان می گویند که عرف بودن حتی یک تلنگر باعث می شود که رفتار سوء با کودکان جدی گرفته نشود و فقط رفتارهای شدیدتر از آن اگر شناسایی شود مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد. اما شناسایی سوء رفتارهای شدید و پیگیری آنها با دشواری های زیادی روبروست. انسان در طول دوران کودکی یکی از آسیب پذیرترین دوره های عمر خود را می گذراند و به نظر می رسد با وجود پیشرفت های همه جانبه در علوم و تکنولوژی این روند همچنان ادامه دارد همه روزه کودکان بسیاری در جهان بر اثر بیماری های قابل پیشگیری جان خود ار از دست می دهند و تعداد بیشماری نیز با مخاطراتی روبرو می شوند که مانع حفظ سلامت و رشد آنان می گردد. فقر بیسوادی سوتغذیه جنگ انواع سود استفاده ها تبعیض نژادی و نداشتن امنیت از جمله مواردی هستند که همواره کودکان را در سراسر جهان مورد تهدید جدی قرار داده اند.

واژگان کلیدی: حقوق، روانشناسی، کودک، آزار، خانواده، عاطفه، تکنولوژی

---

[۱] نویسنده مسئول

مقدمه

کودک برای رشد و تحول نیاز به فراهم شدن محیط مساعد دارد، محیطی که کلید اصلی آن " مراقبت والدین" است. مراقبت یعنی درک کردن، شناختن، دوست داشتن، پذیرفتن، تحریک انگیزه های کودک، تأمین نیازهای تغذیه ای و پوشاک و حفاظت از کودک در برابر بیماریها و در یک کلام انتظار مناسب از توانائی‌های کودک داشتن است. والدین باید بتوانند نیازهای فزاینده کودک را دریافته و به آن پاسخ مناسب بدهند. میزان وابستگی و علاقه دو طرفه بین والدین و کودک، توانائی او را برای یادگیری و دانستن مطالب جدید افزایش می دهد. در حالی که بدرفتاری با کودک و عدم توجه به نیازهای او می تواند باعث ایجاد اختلالات روانی مانند پرخاشگری در بزرگسالی شود. (موسوی و همکاران، ۱۳۸۰).

پیمان نامه حقوق کودک از حق سلامت جسم و شخصیت کودکان حمایت می کند و دولتها را به حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی، بهره کشی جنسی، بدرفتاری، تنبیهات غیر انسانی و توهین آمیز و سایر انواع سوء استفاده از کودکان متعهد می کند.

صدماتی که به کودکان آزار دیده وارد می شود سالانه موجب مرگ تعداد زیادی کودک در جهان می شود. همچنین بسیاری از کودکان آزار دیده در آینده دچار اختلالات روانی خواهند شد و عده ای نیز به دلیل صدمات فیزیکی دچار ضعف و ناتوانی و معلولیت می شوند. خانواده قدیمی ترین و جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فر و همکاران ,۱۳۸۶) جامعه ی مناسب و سالم از خلال خانواده ی سالم پدیدار می شود. و ثبات جامعه در گرو ثبات خانواده است (اعزازی ۱۳۹۵) همچنین صاحبنظران معتقدند خانواده نخستین و مهم ترین نهاد عمومی و جهانی است که برای بقا جامعه ضرورت تام دارد (شرفی , ۱۳۸۳, ۳۷). مهم ترین آسیب خانواده در حال حاضر طلاق است که بنیان خانواده را از اساس فرو می پاشد (محمدی ,۱۳۸۳).نتایج تحقیق Gottman(۲۰۱۳)باورهای ارتباطی زوجین را پیش بینی کننده ی وقوع طلاق می داند. طلاق یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی است اما آمار رسمی طلاق بطور کامل نشان دهنده ی میزان ناکامی های زندگی زناشویی نیست طلاق هم می تواند آشکار باشد هم پنهان. در نوع آشکار طلاق بصورت رسمی صورت می پذیرد و بنیان خانواده آشکارا فرو می پاشد ولی در نوع پنهان هیچ طلاقی ثبت نمی شود.در این حالت ظاهر خانواده حفظ می شود ولی از درون متلاشی است و روابط سرد می باشد. (Momeni K. Azadifard S ۲۰۱۵).در واقع طلاق عاطفی مرحله ی قبل از طلاق قانونی و شرعی است و زوجین بنا به ملاحظات خاص ناچار به ادامه ی رابطه

هستند.(باستانی , گلزاری و روشنی ۱۳۸۹). در طلاق عاطفی زوجین بنا بر دلایلی مانند افکار و رسوم سنتی حاکم بر خانواده ؛ ترس از تنهایی و نداشتن استقلال فردی و اقتصادی ؛نگرش های منفی و آزاردهنده نسبت به بانوان طلاق گرفته ؛ نگرانی بابت جدایی از فرزندان ؛ احساس شرمساری و سرافکندگی در اجتماع , بالاجبار با همسر خود زیر یک سقف زندگی می کنند. (صفائی راد و وارسته فر ۱۳۹۲) متخصصین حوزه انسانی بر این باورند که سیر مراحل طلاق به شکل زیر است: ۱- اختلافات جزئی ۲- تکرار مجدد اختلافات جزئی و شدت گرفتن آنها ۳- قهرهای طولانی و عادی شدن آن ۴- خستگی روحی زوجین ناشی از این اختلافات ۵- طلاق قانونی (ترکمن , اسکافی, عیدگاهیان و سهرابی ۱۳۹۳).

در طلاق عاطفی زندگی فاقد مصاحبت ؛عشق و دوستی لازم است. همسران فقط روزمرگی در پیش می گیرند و روابط یا قطع شده است یا کیفیت عاطفی خوبی ندارد. (محمدی, ۱۳۸۳: ۱۱۱).

آمارهای رسمی نشان دهنده ی رشد چشمگیرطلاق حتی در استان های سنتی و کمتر توسعه یافته است. به طوری که در ۱۰ سال گذشته طلاق به میزان ۱۴۴٪ رشد داشته است. در حالیکه میزان ازدواج تنها ۵۴٪ بوده است. (بولهری و همکاران,۱۳۹۱) به طور متوسط در هر ساعت ۱۶ واقعه ی طلاق ثبت می شود که باعث می شود جایگاه ایران در سکوی چهارم جهان از نظر میزان طلاق باشد. (سازمان ثبت احوال کشور, ۱۳۹۲)

بنابرآنچه گفته شد علیرغم اهمیتی که طلاق عاطفی در فروپاشی نظام خانواده و و بالطبع اجتماع دارد این مهم از نظر کارشناسان تا حدودی دور مانده است.

بخش اول: مفهوم شناسی

کودک: طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی: کودک ، هر انسان کمتر از ۱۸ سال است مگر این‌که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد. (موسوی و همکاران،۱۳۸۰)

خشونت: عبارت است از هرگونه رفتار عمدی بین افراد که احتمال آسیب جسمی یا روانی را به همراه داشته باشد.

خشونت در خانواده: هرگونه رفتار غیرطبیعی که منجر به آزار رساندن به خود و دیگران شود(آزار جسمی، جنسی، روانی و عاطفی) این خشونت در خانواده نسبت به کودکان، همسر و سالمندان صورت می گیرد. (موسوی و همکاران ۸۰)

سازمان بهداشت جهانی کودک آزاری را اینگونه تعریف کرده است:

کودک آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان،سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند.(آقابیک لویی ۱۳۸۰)

ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) در تعریف گونه ای از کودک آزادی میگوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است».

"قانون دادگاه خانواده ایالت نیویورک(۱۹۷۶)کودک آزاری را این گونه تعریف می کند: شرایطی که موجب می شود، والدین یا سایر افرادی که به طور قانونی مسؤولیت تأمین سلامت و رفاه یک کودک زیر ۱۸ سال را به عهده دارند، یا خود اقدام به کودک آزاری کنند یا به دیگران اجازه دهند، وی را مورد آزار و اذیت قرار دهند. "کودک آزاری پدیده ای است، نسبی که در فرهنگ‌های گوناگون مفهوم آن متفاوت است. به طوری که برخی از جنبه های بد رفتاری نسبت به کودک که در بعضی از فرهنگها امری طبیعی است، در نگرش مردمانی با فرهنگ دیگر می‌تواند، نوعی کودک آزاری تلقی شود.(علی رضا کاهانی) دو کانون مهم کودک آزاری خانواده و مردم هستند. نمونه هایی زیاد در مدارس کودک آزاری آموزشی است. در آموزش و پرورش ، شیوه نادرست تحصیل و حتی گرفتن امتحان های متعدد و پشت سر هم روی احساس بچه ها تأثیر می گذارد اما از این تأثیر هنوز آمار درستی در دسترس نیست. کودک آزاری پنهان بیش از هر چیز در میان خانواده در جامعه وجود دارد که این امر به شدت کودکان را تهدید می کند.

آقای دکتر چزایری روان شناس بالینی در مورد کود ک آزاری می گوید:

(کودک آزاری دیگر کودک آزاری که سوء استفاده های جنسی است بیشتر در خانواده بیشتر به صورت تنبیهات جسمی و روانی است اما نوع در بیرون خانواده اتفاق می افتد.)

هم چنین بیان میشود که بیشتر قتل های کودکان در خانواده صورت میگیرد.

"موضوع کودک آزاری فوراً ضرب و شتم را به ذهن شنونده متبادر می سازد. اما پدیده کودک آزاری طیف بسیار وسیع تر و عمده تری از ضرب و شتم و تنبیهات فیزیکی را در بر می گیرد. در خیابانها ی شهر صدها کودک را می بینیم که برخی حاصل ازدواجهای آزادند و تا چندی پیش این کودکان بواسطه نداشتن شناسنامه محروم از رفاه بودند. در همین خیابانها کودکان بسیاری می

بینیم که ناگزیر از بزهکارینند چون از کودکی به اینکار وارد شده و آموزش داده می شوند و دایره کودک آزاری بسیار وسیع تر از دیده ها و شنیده های ما است

تبعیض میان دو جنس یا بین بچه ها به دلایل گوناگون در خانواده و مدرسه نیز از موارد کودک آزاری است. در مجموع، هرجایی که کودک نتواند از امکانات شایسته رشد خود برخوردار باشد، به طور ضمنی مورد کودک آزاری قرار گرفته است. این پدیده از تبعیض‌ها و بی عدالتی های ضمنی آغاز و به کشتن فرزند خاتمه می یابد"(شیوا دولت آبادی)

"کودک آزاری یا بدرفتاری با کودکان از دیدگاه روان شناسی، رفتاری است که به نوعی موجب آزار جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی کودک می گردد و به رشد و سلامت او آسیب می رساند. سوء استفاده از کودکان به هر شکل، استثمار کودکان در هر زمینه و بی توجهی به کودکان به هر صورت، کودک آزاری محسوب می شود.(فاطمه قاسم زاده)

"هر نوع کوتاهی و غفلت یا ارتکاب هر نوع عملی که به نحوی به بهداشت و سلامت روانی کودک آسیب برساند یا در آن خدشه وارد کند و مانع از رشد بهنجار وی شود، کودک آزاری قلمدادمی شود"(پور ناجی ۱۳۷۸)

بخش دوم: کودک آزاری در عصر جدید

با وجود قدمت پدیده کودک آزاری، از شناسایی این پدیده تا کنون می توان چهار دوره را از یکدیگر تمیز داد. نخستین دوره مربوط به سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۹۴۶ است. در آن زمان " تاردیو " متخصص پزشک قانونی کشورفرانسه، سندروم کودک آزاری جسمی خصوصاً آزار جسمی علیه کودکان ناتوان را گزارش نمود، همزمان با وی" سامل وست" یک متخصص کودک نیز گزارشی را از شکستگی های متعدد ، کبودی‌ها و برآمدگی های استخوانی در کودک داد.

فروید نیز در شرح حال خانم هایی که به علت مشکلات عصبی به او مراجعه می کردند، به آزار جسمی و جنسی آنان در دوران کودکی و خانواده پی برد.

دومین دوره مربوط به سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۲ است. در این دوره برای نخستین بار "کافی" رادیولوژیست آمریکایی شش مورد کودک مبتلا به خونریزی سخت را گزارش داد که در همه آنها شکستگی های متعدد به تعداد ۲۳ عدد وجود داشت. وی معتقد بود تمام این شکستگی ها ریشهٔ ضربه ای دارد، ولی مکانیسم ایجاد آنها نا معلوم بود در این دوره کودک آزاری تا حدودی شناخته شد، ولی به عنوان یک مسأله مطرح نشد.

سومین دوره به وسیله "کمپ" و همکارانش در سال ۱۹۶۲ آغاز شد که در آن موقع به عنوان سندرم کودک کتک خورده توصیف شد. چهارمین دوره که از سال ۱۹۷۲ شروع شد، مسأله کودک آزاری به صورت آزارهای جسمی، جنسی، عاطفی، غفلت و مسامحه مورد طرح و بررسی قرار گرفت.اکنون پنجمین دوره، یعنی دوره ای است که بیشترین تأکید بر نحوۀ پیش‌گیری از کودک آزاری است.(پور ناجی،۷۸)

بخش سوم: انواع سوء رفتار

۱-کودک آزاری جسمی: سندرم کافی یا (سندرم کودک کتک خورده)، کودکی که یک بار یا به دفعات مورد ضرب و شتم ، آزار و شکنجه عمدی قرار می گیرد..(موسوی و هکاران، ۱۳۸۰)

و عبارت است از حملۀ فیزیکی به کودک که می تواند موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات یا حتی مرگ کودک گردد. اشکال مختلف کودک آزاری جسمی شامل، شلاق زدن، بستن کودک، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و تکان دادن شدید می‌باشد.

قانون حمایت از کودک مصوب ۱۹۸۸ آزار بدنی را چنین تعریف می کند. آسیب دیدن و صدمه دیدگی کودک زیر ۱۸ سال توسط والدین یا سرپرست بلافصل وی که مسئول رفاه و آسایش اوست. به طوری که سلامت و ایمنی کودک طبق قوانین تدوین شده بوسیله وزارت بهداشت و خدمات اضافی به خطر افتاده است (آبروشن،۹۰: ۱۳۸۴)

کودک آزاری جسمی به حالت بالینی کودکانی (معمولا زیر ۳ سال) گفته می‌شود که یک بار یا به دفعات مورد ضرب و شتم و آزار و شکنجه عمدی افراد بالغی مانند پدر، مادر، قیم و یا والدین رضاعی که مسئولیت آنها را بر عهده دارند قرار می گیرد. در این حالت علاوه بر آزار جسمی، محرومیت عمده از خوراک و پوشاک و سرپناه را نیز شامل می شود.

در این نوع کودک آزاری خشونت معمولاً به وسیلۀ دست صورت می گیرد. مانند پرتاب کردن، سیلی زدن، تکان داد، نیشگون گرفتن، فشار دادن و سایر روشها عبارتند از: بستن کودک، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و با استفاده از آتش سیگار(حدود ده درصد از کودک آزاریها ناشی از سوختگی است) شلاق زدن، گاز گرفتن و... است که می توانند موجب درد، ضایعاتی در سطح پوست، کبودی، شکستگی استخوان، بریدگی و خونریزی زیر جلدی شود.(کاهانی، ۱۳۷۵)

کودکانی که مورد سوء رفتار قرار می گیرند ممکن است مشکلات زیر را نشان دهند:

خود انگارهٔ ضعیف- بدکرداری جنسی- عدم اعتماد به نفس یا دوست نداشتن خود- پرخاشگری- رفتارهای مخرب و گاهی اوقات رفتارهای خلاف قانون، عصبانیت و خشم- خودکشی یا رفتارهای خود آزارنده- افکار خودکشی-رفتارهای انفعالی- ترس از وارد شدن به فعالیتها یا ارتباطهای جدید- اضطراب و ترس، مشکلات مدرسه و افت تحصیلی، افسردگی- بازگشت به گذشته (شب ادراری، مکیدن انگشت) یا دیدن کابوس، اعتیاد به مواد مخدر یا الکل. (the hldden Bruises-۱۹۹۸)علائم و نشانه های مهم رفتاری و کلامی در کودک تحت آزار جسمی وشاخص‌های خانوادگی(موسوی و همکاران ۱۳۸۰)

بند اول: شاخصهای رفتاری

۱-احتیاط فروان در تماس فیزیکی با بالغین

۲-کنار کشیدن و یا حالت دفاعی گرفتن ناشی از ترس در پاسخ به حرکت‌های ناگهانی بزگسالان

۳-تغییرات شدید رفتاری به همراه واپس روی رفتارها

۴-حالت گوشه گیری یا پرخاشگری

۵-ترس شدید از والدین

۶-هنگام صدا کردن بسیار سریع خود را می رساند و مدتها در حالت ثابت باقی می ماند

۷-غالباً دیر به مدرسه می روند و زیاد غیبت می کنند

۸-درخواست غذا از دیگران یا اقدام به دزدی مواد غذایی می کنند

بند دوم: شاخصهای کلامی

۱-اعلام کتک خوردن از سوی والدین

۲-برای علت ایجاد آسیب‌های خود دلایل نامتناسب، مختلف و ناباورانه می آورند

۳-سؤالاتی مانند: می توانم با شما زندگی کنم؟ می توانم بیایم خانه شما؟ و گاهی مکرراً اعلام می کنند که پدر و مادرم مرا دوست ندارند

۴-گاهی می گویند مکان مناسبی برای خواب نداشته اند و یا به اندازه کافی نخوابیده اند و یا غـذا به اندازه کافی نخورده‌اند

بند سوم: شاخصهای خانوادگی

۱-خانه وضعیت بهم ریخته و کثیف دارد

۲-رفت و آمد محدودی دارندو معمولاً اجتماع گریزند

۳-والدین نمی گذارند با دوستانش رفت و آمد کند

۴-والدین به مدرسه سرکشی نمی کنند و نسبت به وضعیت تحصیلی کودک خود بی توجه اند

۵-والدین نمی گذارند کودک در فعالیت‌های اجتماعی مدرسه شرکت کند

۶-توضیحی برای صدمات بدنی ایجاد شده در کودک ندارند و سعی در مخفی کردن جراحتها دارند

۷-کودک خود را شرور و اصلاح ناپذیر معرفی می کنند.

۸-در صحبت کردن از کلمات تحقیر آمیز و توهین کننده استفاده می کنند

۹-تنبیهات بدنی شدید را علیه کودک اعمال می کنند. مثلاً کودک را حبس یا از غذا محـروم مـی کنند

۱۰-غالباً سوء مصرف الکل، دارو و یا مواد مخدر دارند

بند چهارم: کودک آزاری جسمی و تشخیص آن

الف)یکی از راه‌های تشخیص کودک آزاری، گرفتن شرح حال کودک از والدین است.

از موارد زیر می توان تشخیص داد که کودک به وسیله خود والدین مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است.

۱-والدینی که از دادن شرح حال کامل و ابراز جزئیات واقعه خودداری می کنند.

۲-والدین معمولاً در شرح حال می‌گویند که کودک به طور ناگهانی آسیب دیده یا بیمار شده است و از چگونگی آن بی خبرند.

۳-معمولاً صدمات، با شرح حال داده شده، هم خوانی ندارد. به این ترتیب که مکانیسم، شدت و نوع آسیب وارده با شرح حال مغایر است و آسیب‌های مشهود متعلق به زمانها و مراحل ترمیمی مختلف اند.

۴-والدین شدیداً منکر آزار رساندن یا آسیب دیدن کودک می شوند.

۵-تأخیر در گزارش موارد کودک آزاری جسمانی، به رغم آسیب‌های شدید و جدی

۶-چنانچه آزار دهنده احساس کند که توضیحات اولیه اش مورد سوء ظن واقع شده است، داستان را تغییر می دهد، بنابراین توضیحات وی مغایر و متفاوت با یکدیگر است

۷-شرایط و محلی که حادثه یا مرگ در آن رخ داده است، با شرح حال اختلاف دارد

۸-بیشتر کودکانی که در شب با آثار ضربه به بیمارستان آورده می شوند و سابقه بیماری قبلی ندارند.

۹-هنگامی که والدین شخصاً مراجعه نمی کنند و در این رابطه از بستگان دیگر مانند خواهر یا برادر کمک می گیرند. در این والدین:

الف)در نشان دادن نگرانی و دلواپسی خود دچار مشکل هستند و درجه نگرانی آنان با شدت صدمه ای که به کودک وارد شده است، متناسب نیست.

ب)در ارتباط با آسایش و رفاه کودک، بی علاقه و خونسرد به نظر می رسند. به عبارتی قادر نیستند، به کودک آرامش دهند و رفتاری که نشان دهندهٔ درک آنان از احساسات عاطفی و جسمانی کودک باشد، در این والدین مشاهده نمی شود.

ج)بین ارتباط کلامی و غیر کلامی والدین و کودک تفاوت وجود دارد.

د)بیشتر تعبیرهای منفی در مورد کودک به کار می برند و مرتباً از او انتقاد می‌کنند، کودک خودش مسبب صدمه است.

ه)اگر از آنان در مورد وظیفه ای که در قبال حفاظت و هدایت کودک دارند، پرسیده شود، خشمگین شده و حالت تهاجمی به خود می گیرند.(پورناجی، ۱۳۷۸)

علائم مهمی که در معاینه کودک آزار دیده باید مورد توجه قرار بگیرد عبارت است از:

الف)ظاهر کودک ب)علائم و نشانه های پوستی و اسکلتی

الف)ظاهر کودک:

۱-کودکان آزار دیده حالت ترس دارند بخصوص از پدر و مادر

۲-گاهی گوشه گیر بوده و یا حالت تهاجمی به خود می گیرند.

۳-قیافه بهت زده دارند که به پائین نگاه می کنند.

۴-معمولا نحیف و لاغرند و دارای عقب ماندگی رشد جسمی و عقلی هستند و نظافت خوبی ندارند.

ب)علائم و نشانه های پوستی: وجود کبودی و جراحت‌های متعدد پوستی مربوط به زمان‌های مختلف و سوختگی هایی به شکل ابزار ایجاد کننده آن که معمولاً در مناطق غیر معمول پوست می باشد.

ج)علائم و نشانه های اسکلتی: مهمترین علامت در استخوانها وجود شکستگی‌های متعدد و مربوط به زمان‌های مختلف می باشد.

در معاینه کودک باید به تمام موارد یاد شده توجه کرد و همه قسمت‌های بدن کودک به دقت مورد معاینه قرار بگیردو برای تشخیص شکستگی های قدیمی از قسمت‌های مختلف بدن بیمار رادیو گرافی به عمل آید(موسوی و همکاران، ۸۰-رسالت، ۷۹/۶/۶۰)

چرا والدین فرزندان خود را کتک می زنند؟

والدینی که اقدام به مجازات‌های جسمانی می کنند، ظاهرا ویژگی‌های مشترکی دارند.

۱. نمی توانند، خود را کنترل کنند. وقتی گرفتار احساسات منفی می شوند از این طریق خود را تخلیه میکنند.

۲. خود در خانواده هایی بزرگ شده اند که در آنجا بدرفتاری جسمانی متداول بوده است و این رفتار در واقع تکرار مستقیم چیزی است که در کودکی تجربه کرده اند.

۳. بسیاری از والدین با انبوهی از مشکلات احساسی و نیازهای برآورده نشده، بزرگ میشوند و میخواهند کودکشان این نیازها را برایشان براورده کند و وقتی کودک موفق نشود والدین خشمگین شده و آنها را کتک میزنند.

۴. الکلی یا معتاد به مواد مخدر هستند

بچه ها هدف‌های ساده ای هستند و نمی توانند به دفاع از خود برخیزند و می‌توان آنها را به سکوت مجبور کرد. متأسفانه هم برای شخص بدرفتار و هم برای قربانی، جا به جا شدن خشم تنها به طور موقت اسباب تسلی خاطر بدرفتار را فراهم می سازد و بخش اصلی خشم او دست نخورده باقی می ماند و بار دیگر تولید مشکل می کند و متأسفانه هدف خشم او نیز مجبور به تحمل می شود تا این ناراحتی را به دوران بلوغ ببرد.(پورناجی، ۱۳۷۸– اصلاح و تربیت،۸۰،۸۱)

۵. والدین آسیب رسان: abusine parents

الف)والدین عصبی: این نوع والدین با خشونت با کودکان خود رفتار می کنند و با پرخاشگری می توانند فرزند خود را کنترل کنند و به طور ضمنی این پیام را به کودک می دهند که با داد زدن می تواند به هدف هایش برسد.

ب)والدین وسواسی obsessional: این قبیل والدین بیش از اندازه مشوش هستند و خصوصیات شخصیتی وسواسی در آنها دیده می شود و معمولاً کمال‌طلب هستند و انتظارات غیر واقعی از خود و دیگران بخصوص در مورد فرزندانشان، در آنها دیده می شود

ج)والدین طرد کننده: Rejector parents: در این قبیل خانواده ها بیش از حد کودک طرد می شود و اکثر قریب به اتفاق افراد بزه‌کار در خانواده های پرخاشگر پرورش می یابند.

بخش چهارم: کودک آزاری جنسی

بکارگیری، استفاده و واداشتن کودک به درگیر شدن با هر گونه رفتار روشن جنسی یا نمایش رفتارهای جنسی ، تجاوز تماس جنسی، فحشا و هرگونه بهره برداری از کودکان جهت کسب لذایذ و ارضاء میل جنسی می باشد. سوء استفاده جنسی از کودکان ظالمانه ترین واهانت آمیزترین تجربه انسانی است. موضوع سوء استفاده جنسی کودکان توسط بزرگسالان در طول تاریخ بشر همواره مطرح بوده است. در این بین ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نقش تعیین کننده ای در پذیرش یا نپذیرفتن این پدیده داشته اند (آقابیگلویی۱۴: ۱۳۸۰)

تجاوز به خلوت کودک نیز سوء استفاده جنسی از اوست که از جمله دزدانه نگاه کردن به هنگام تعویض لباس یا حمام است. در این شرایط در حالی که هیچ کدام از این رفتارها در تعریف رسمی سوء استفاده جنسی قرار نمی گیرد ، قربانیان اغلب احساس تجاوز می کنند و از بسیار از نشانه های روان شناسی مشابه قربانیان زنانی با محارم رنج می برند.(آبروشن۹۱: ۱۳۸۴)

بر اساس تعریف مندرج در قانون ممانعت از آزار و بدرفتاری با کودکان (child abuse pervention, and treatment act) بدرفتاری جنسی، عبارت است از:

۱-بکارگیری، استفاده، اغوا، تشویق، واداشتن کودک به درگیر شدن با هرگونه رفتار روشن جنسی یا نمایش این گونه رفتارها.

۲-تجاوز، تماس جنسی، فحشا یا هرگونه بهره برداری دیگر جنسی از کودکان.

مرکز ملی سوء استفاده و غفلت، سوء استفاده جنسی را چنین تعریف می کند:

" تماسها یا مقاربت‌های جنسی بین کودک و بزرگسال، در شرایطی که کودک به منظور تحریک جنسی آن فرد یا شخص دیگر مورد سوء استفاده قرار می گیرد"

بنابر تعریف دیگر، آزار جنسی، عبارت است از استفاده از کودک برای لذت بردن به وسیله یک فرد بزرگسال برای ارضای نیازها یا تمایلات جنسی خودش.(پور ناجی، ۱۳۷۸)

سوء استفاده جنسی از کودکان ۲۵ درصد موارد کودک آزاری را شامل می شود و می‌تواند شامل مراحل زیر باشد:

۱-Molestation یا دستمالی کردن: عبارت است از اعمالی که برای کسب لذت جنسی بدون دخول با شخصی که رضایت ندارد، انجام می شود.

۲-مقاربت جنسی: می تواند از طریق واژن، رکتوم یا دهان باشد خواه صورت گرفته باشد یا تلاش برای انجام آن شده باشد.

۳-زنای به عنف: انجام مقاربت به زور.(توفیقی و هوشدار، ۱۳۷۴)

بخش پنجم: نشانه های بالینی سوء رفتار جنسی

رفتارها یا نشانه هایی که ممکن است در یک کودک مورد سوء رفتار جنسی وجود داشته باشد:

بند اول: نشانه های فیزیکی

۱-خارش، کبودی، بیماری‌های پوستی،زخمها و صدمات به صورت خاص در محل اندام‌های تناسلی

۲-بیماری‌های مقاربتی

۳-بارداری در ابتدای نوجوانی

۴-ترشح خون یا چرک در رواناز یا لباس و به صورت خاص در لباس زیر

بند دوم: نشانه های رفتاری

۱-رفتار پرخاشگرانه نسبت به بچه های کوچکتر

۲-اطلاعات زیاد نسبت به مسائل جنسی

۳-رفتار وسوسه انگیز یا سکس نسبت به بزرگسالان یا هم سن و سالها

۴-بالغ شدن کاذب رفتار

۵-بازگشت رفتار

۶-استمناء بیش از حد

۷-ارتباط با هم سن و سالها

۸-ترس از شخص، مکان یا موضوع خاص

۹- تغییر ناگهانی یا افراطی در رفتار

۱۰-اختلال در خوردن(پرخوری- کم خوری)

بند سوم: علائم رفتاری قبل از نوجوانی و در نوجوان

۱-خودآزاری - خودزنی – خودسوزی

۲-رفتار تهاجمی یا اقدام به خودکشی

۳-استفاده از مواد مخدر یا الکل

۴-بی بند و باری جنسی

۵-فاحشگی

۶-شهوت زیاد

۷-دزدی و دروغگویی

۸-فرار از منزل

۹-انزوا و تنهایی یا داشتن دوستان بد

۱۰-مشغولیت ذهنی زیاد نسبت به مرگ

۱۱-کابوس‌های عجیب و غریب

۱۲-افزایش اضطراب در تاریخ‌های مشخص

۱۳-یک ترس همیشگی از آسیب دیدن و تنها ماندن (Rosemary narimaniam, ۲۰۰۰)

بند چهارم: علائم و نشانه های کودک آزاری جنسی

- **شاخص‌های فیزیکی**

۱-بارداری در کودکان دختر که به سن بلوغ رسیده اند

۲-علائم و نشانه های بیماری‌های مقاربتی

۳-ادرار خونی

۴-کبودی و تورم در ناحیه تناسلی

۵-وجود خون و چرک در ناحیه تناسلی

۶-وجود ناراحتی و شکایت کودک، از ناحیه تناسلی بدون وجود علت فیزیکی واضح

۷-تغییر رنگ در لباس زیر

۸-خونریزی از ناحیه مقعد

۹-خاراندن مکرر ناحیه تناسلی شاخص‌های رفتاری

۱۰-اشکال در نشستن روی صندلی

۱۱-حالت ایستادن یا راه رفتن با پای باز

۱۲-از دست دادن ناگهانی اشتها

۱۳-دیدن کابوس‌های شبانه

۱۴-حالت پرخاشگری یا گوشه گیری به طور ناگهانی

۱۵-فقدان ناگهانی علاقه به زندگی

۱۶-از دست دادن تخیلات و خیال پردازی

۱۷-پس رفت به سوی رفتارهای بچه گانه مانند خیس کردن رختخواب، مکیدن انگشت و گریه بیش از حد

۱۸-داشتن اطلاعات جنسی بیش از سن خود

۱۹-عدم تمایل به کارهای شادی آفرین

۲۰-حالت کاهلی و تنبلی

۲۱-گوشه گیری و دوری کردن ناگهانی از دوستان

- **شاخص‌های کلامی**

۱-شکایت از درد ناحیه تناسلی

۲-اعلام تماس جنسی با اشخاص

۳-اعلام داشتن یک بازی سری با افراد بزرگسال

۴-اعلام ترسیدن از تنها ماندن با بزرگسالان

۵-اعلام اینکه شخصی دائماً اطراف او پرسه می زند

۶-اعلام اینکه فلان شخص مرا لمس می کند

۷-اعلام اینکه فلان شخص وقتی تنها می شوم به من وسایل یا چیزی می دهد

بخش ششم: غفلت و مسامحه

شایع ترین شکل بدرفتاری با کودکان است و عبارتست از عدم ارائه مراقبت و محافظت کافی از کودکان. مسامحه شامل عدم تغذیه کافی کودکان و محافظت آنان در برابر خطرات است(سادوک و سادوک۱۳۸۸)

هم چنین شامل محرومیت از نیازهای اساسی همانند غذا ، پوشاک و محرومیت از اقداماتی که جهت رشد طبیعی و نمو کودک نیاز است. مسامحه یا غفلت به صورت عدم مراقبت کافی جسمانی و بهداشتی و عدم تامین نیازهای روانی ، هیجانی و آموزش کودک ، عدم رسیدگی به وضعیت تحصیلی و بی توجهی به ترک مدرسه و کودک را در معرض خطراتی چون سرما و گرما قرار دادن می باشد. (موسوی و همکاران ، ۱۳۸۰ – ایزرائیل ، نلسون ، ۱۳۷۸).

بند اول: انواع غفلت

– غفلت جسمی مانند ترک و به حال خود رها کردن و رسیدگی نکردن به وضعیت تغذیه

–غفلت هیجانی مانند محبت نکردن کافی به کودک ، بدرفتاری شدید یا مزمن با همسر در حضور کودک

– غفلت آموزشی مانند رسیدگی نکردن به وضعیت تحصیلی کودک ، بی توجهی به ترک تحصیل یا فرار از مدرسه

–غفلت پزشکی مانند مراقبت نکردن از کودک در برابر مسائل بهداشتی

(پورناجی ، ۷۸).

بند دوم: نشانه های سوء رفتار ناشی از غفلت و مسامحه و خصوصیات بارز غفلت فیزیکی

آثار و علائم در مورد غفلت و سهل انگاری نوع جسمی می تواند به صورت گرسنگی شدید باشد این گرسنگی به دو صورت ظاهر میشود:

۱. گرسنگی مرطوب: ورم شدیدی در تمامی قسمت های بدن به همراه تجمع مایع فراوان در حفره شکم و تحلیل شدید عضلانی و کاهش پروتئین پلاسمای خون دیده می شود
۲. گرسنگی خشک: ورم بدن وجود ندارد ولی فشار خون پایین می افتد و قلب نارسا می شود. چنین کودکانی ظاهری لاغر ، صورت کشیده ، چشمهای فرو رفته ، تحلیل عضلانی ،لاغری گردن و پوست رنگ پریده دارند.

عفونت های پوستی در اماتیت های ادراری قنداق بچه نیز در این کودکان فراوان دیده می شود (موسوی و همکاران ، ۱۳۸۰).

بند سوم: نشانه های روانی غفلت و مسامحه:

۱.سلوک

۲. فرار از خانه

۳.مهربانی بدون تبعیض حتی با غریبه ها

۴.بی تفاوتی حتی در موقعیت های آشنا

۵.کوتولگی روانی–اجتماعی (این کودکان ابعاد جسمی متناسب دارند اما نسبت به سن خود ریزتر هستند. تغییرات برگشت پذیر دارند که به کاهش هورمون رشد می انجامد و مدتی رشد آنان متوقف می گردد. کودکان مبتلا به این اختلال ، رفتار غیرعادی در خوردن دارند و روابط اجتماعی آشفته نشان می دهند. پرخوری دوره ای ، خوردن آشغال ، نوشیدن آب دستشویی و استفراغ عمدی گزارش شده است) (کاپلان – سادوک ، ۷۹).

بند چهارم: کودک آزاری عاطفی

تعریف کنفرانس بین المللی«psychological Abuse of children and youth»در سال ۱۹۸۳ از بدرفتاری روانی ، عبارت است از: «هرگونه رفتار با کودک که طبق استانداردهای اجتماعی و نظر متخصصان ، از نظر روان شناختی ،آسیب زا باشد. یعنی هر گونه رفتاری که بر عملکرد رفتاری – شناختی و عاطفی و جسمی کودک تاثیر سوء داشته باشد ، بدرفتاری روانی با کودک خوانده می‌شود.

با این تعریف ، ابعاد بدرفتاری بسیار گسترده تر می شود. در واقع تمام انواع بدرفتاری (جسمی ،جنسی ، عاطفی و غفلت) با بدرفتاری روانی همراه است.

آزارهای عاطفی گرچه برخلاف آزارهای جسمانی اثری قابل رویت بر جسم کودک بر جای نمی گذارد اما آثار آن ها به مراتب عمیق تر و فاجعه آمیزبار است و تا آخر عمر بر روح و روان فرد باقی خواهد ماند. پدر و مادری که دائما فرزند خود را تحقیر و سرزش می کنند و در مقام انتقاد از او بر می آیند وی را با همسالانش مقایسه می کنند والدینی که برای فرزند خود مقررات و کنترل های شدید در نظر می گیرند کسانی که انتظارات بیش از حد کودک خود دارند و از او می خوانند. مانند یک بزرگسال رفتار کند همگی کودک خود را در معرفی فشارهای روحی و روانی شدید قرار می دهند (آبروشن۹۱: ۱۳۸۴)

بخش هفتم: انواع بدرفتاری عاطفی

مقررات و کنترل شدید ، مانند ترسانیدن از جدایی یا تنبیه سخت بدنی

تقویت وابستگی کودک – بدون احساس امنیت

انتظار ها و برخوردهای نامتناسب با سن

رفتار و نگرشهای منفی مداوم ، به صورت کلامی مانند سرزنش یا تحقیر مداوم

به خدمت گرفتن کودک در جهت ارضای نیازهای عاطفی خود

دور بودن از کانون عاطفه

ایجاد بی ثباتی و دگرگونی شناختی مانند دادن پیامهای متضاد به کودک یا پاسخهای غیرقابل پیش بینی والدین

والدینی که دارای اختلالات روانی هستند و معتادان به مواد مخدر والکل از بارزترین چهره های این افراد به شماره می آیند (پورناجی ، ۷۸)

علائم و نشانه های کودک آزاری، عاطفی، مسامحه و غفلت هیجانی: (موسوی و همکاران، ۱۳۸۰)

علائم فیزیکی ندارد

بند اول: علائم رفتاری

۱–کودک بازی نمی کند، منفعل و دائم در حال شکایت است و یا حالت تهاجم و بی اعتنایی دارد

۲–اعتماد به نفس بسیار پایین

۳–به ندرت می خندد

۴–مهارتهای اجتماعی کمی دارد

۵–از ارتباط با دیگران خودداری می کند و نگاهش را می دزدد

۶–دائما سعی در جلب حمایت دیگران دارد، روز به روز خواسته هایش بیشتر می شود و احتیاجاتش بیشتر می شود.

۷–با اکراه غذا می خورد

۸-پس رفت به دوران اولیه کودکی مثل مکیدن انگشت و شب ادراری

بند دوم: شاخصهای کلامی

۱-اشکال در خوابیدن را ذکر می کند

۲-خودش را با واژه های منفی و تحقیر آمیز توصیف می کند

۳-نسبت به برنامه های خانوداه ابراز بی میلی می کند

بندسوم: شاخصهای والدین

۱-داشتن انتظارات غیر واقعی از کودک

۲-انتظار دارند که کودک انتظارات و نیازهای هیجانی روانی آنها را برآورده سازد

۳-عدم علاقه‌مندی به کودک

۴- فقدان مهارتهای اولیه و مهارتهای لازم جهت پرورش کودک

۵- به نظر می رسد بیشتر به نیازهای خود توجه دارند تا به نیازهای کودک

۶- کودک را دائم سرزنش می کنند

۷- با کلمات تحقیرآمیز با کودک سخن می گویند.

علائم و عوارض سوء رفتار با کودکان: (موسوی و همکاران ۱۳۸۰)

بخش هشتم: گروه سنی علائم و کلیدهای تشخیصی

بند اول: نوزادان

عصبانیت و بی قراری ، عقب ماندگی رشد جسمی، عفونتهای ساده ولی تکراری، کبودی با علت نامشخص، شکستگی استخوان، تأخیر در رشد عمومی

بند دوم: پیش دبستان

کوتاهی قد، نامرتب بودن سر وضع، کثیف بودن، تأخیر در تکلم، اختلالات توجه، عدم بلوغ اجتماعی، بیش فعالی و حالتهای تهاجمی

بند سوم: دبستان

کوتاهی قد، بهداشت کم، اختلال خواب و اشتها، اختلال یادگیری، نداشتن اعتماد به نفس، خودآزاری، اختلال در دفع ادرار و مدفوع، اختلال ارتباطی با دیگران و اختلالات توجه، آزار حیوانات و بچه های کوچکتر

این چهار مورد بیان شده از اصلی ترین موارد کودک آزاری هستند که به هر کدام به تفضیل پرداختیم.

بخش نهم: کودک آزاری تجاری

بند اول: به منظور اعمال منافی عفت

اطفال به صورت مختلف مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند.تجاوز به حقوق کودک به صورت مشاهده صورت بچه ، ارتباط جنسی در وسایل سمعی و بصری، تلویزیون، اینترنت و سینما دارای اشکال مختلف می باشند. زودرس شدن بلوغ و تمایلات جنسی ، رابطه ای نامشروع با محارم ، بیماری روحی و اختلالات روانی ثمره تحمیل این شرایط بر اطفال به ویژه دختران نوجوان می باشد.

بند دوم: به قصد تجارت اعضاء بدن

موضوع کودک آزاری از نظر پزشکی زمانی مطرح می شود که مسائل بهداشتی یا درمانی بودن کنترل و مراقبت صحیح انجام می شود. موضوع کودک آزاری ناشی از مراقبتهای پزشکی ، موضوع بسیار داغ و پرسروصدایی است که تبعات قانونی زیادی را در بردارد.فراهم نیاوردن یا اجازه ندادن والدین به انجام درمان های طبی لازم بر پایه عقاید مذهبی ، یکی از مواردی است که این امر به درک غلط یابی مبالاتی استوار است. کودک آزاری ناشی از پزشکی به اشکال مختلف نیز ظاهر می شود. قاچاق اعضای بدن کودکان و امتحان داروهای جدید پزشکی روی کودکان بی سرپرست شبانه روزی ها از جمله مواردی است که خبرگذاری ها بیان میکنند.

سرقت نوزادان و فروش آنها هم چنین ربودن اطفال برای فروش اعضاء مختلف بدن آنان مانند کلیه ، قلب وغیره از جرایمی هستند که کودکان معصوم ، قربانیان آن به شمار می روند و متاسفانه این شرایط در کشورهای عقب مانده و جهان سوم به نسبت از ممالک پیشرفته که در آن قوانین جهت حمایت از کودکان و بهره کشی از آنان به حداقل ممکن می رسد

اسف بارتراست.(پورناجی۷۲: ۱۳۷۸)

بخش دهم: کودکان شبانه روزی

این کودکان تحت شرایط بسیار خاصی نگهداری و بزرگ میشوند.

مکان خاص و مشخصی برای زندگی ندارند و ممکن است سالی یکبار یا هرچندسال یکبار جا به جا شوند.

مفهومی به اسم خانواده و پدر و مادر برای این بچه ها معنایی ندارد.

وسایل و حتی لباس ها به صورت عمده و برای همه تهیه میشود وحق انتخاب ندارند.

عللی که باعث می شود کودکان به شبانه روزی سپرده شوند عبارت هستند از:

- مجهول المکان بودن والدین
- طلاق و جدایی والدین از یکدیگر
- فوت والدین یا یکی از آنان
- ترک خانواده توسط پدر
- اعتیاد والدین
- عدم صلاحیت اجتماعی و اخلاقی والدین
- بیماری صعب العلاج والدین
- مفقود الاثر بودن والدین
- وجود نا به سامانی، آشفتگی و ناسازگاری در خانواده
- خیانت والدین به یکدیگر
- اختلاف اعتقادی و طبقاتی والدین
- کثرت فرزندان خانواده
- وجود ناپدری یا نامادری
- ازدواج مجدد

– زندانی بودن والدین

– فرار کودکان از خانه

– طرد و رها کردن کودکان در مجامع و معابر عمومی

بدرفتاری با کودکان میتواند انواع مختلفی داشته باشد.

در کشورهای غیر صنعتی این بدرفتاری ها به اشکال زیر صورت می گیرد:

بند اول: ازدواج کودکان child marriage:

ازدواج کودکان رسمی است که در بسیاری از کشورهای جهان سوم تأئید و اجرا می‌شود. در سال ۱۹۸۱ در بنگلادش ۷٪ دختران ۱۴–۱۰ ساله و ۶۵٪ ۱۹–۱۴ ساله ازدواج کرده اند و ۷۵٪ تمام دختران روستایی این کشور قبل از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کنند.

بند دوم: دایه گری کودک fostetage– انتقال trunsfer

این مسأله به انتقال کودک، مبادله کودک، عاریه دادن کودک اشاره می کند که به اسکان دهی مجدد یا انتقال کودکان از خانواده های بیلوژیکی یا زیستی به خانواده های دیگر که به وسیله والدین انتخاب می شود، تعریف می شود.

بند سوم: رهن دادن کودک child pawing

به واگذاری کودک برای قرض گرفتن پول یا مبادله خدمات تعریف می شود. به کار فرستادن کودکان در سنینی که آنان نیاز به تحصیل، بازی، تفریح و... دارند، نیز علاوه بر آنکه ریشه در در فقر خانواده دارد. (رشیدی فر، ۷۶)

بخش یازدهم: عوامل موثر بر کودک آزاری

بند اول: طلاق

اثر طلاق در فرزندان متعلق به کانون خانواده از هم پاشید شده بسیار شدید است. و عقده های غیر قابل تحمل و توأم با نفرت در آنان به وجود می آورد. کودکان بر اثر لجبازی والدین مجبور هستند از عاطفه مهر و محبت یکی از والدین جدا شده وشخص دیگری همچون ناپدری و نامادری را جایگزین آن کنند.(پل آماتو۱۳۸۰ ص ۲۷).

تأثیر طلاق در کودک بسیار بیشتر از تأثیری است که مرگ یکی از والدین بر کودک می گذارد زیرا در این مورد کودک می داند یکی از طرفین با این که هست نمی تواند با او رابطـه عـاطفی ایجـاد کند که این عامل خود سبب بروز نوعی عقده های اجتماعی در کودک می گردد.

بند دوم: فقر

فقر را می توان از روی مشخصات و علائم متعددی چون درآمد کم ، تعلیم و تربیت ناقص ، درصد نیروی کار به تعداد افراد خانواده و .... را ملاک شناخت فقر و یکی از عوامل مهـم کـودک آزاری و ایجاد این پدیده در جهان است. (فرجاد ۱۳۷۰ ، ص ۴۹).

فقر را می بایست از جمله مهم ترین عوامل پدیده کودک آزاری دانست که منشـأ ایجـاد بسـیاری دیگر از عوامل کودک آزاری از جمله طلاق و اعتیاد و ... می باشد که زمینه مشکلات جنسی را نیز فراهم می نماید.

بند سوم: اقتصاد

به طور کلی رابطه مستقیم میان شرایط بد اقتصادی با کودک آزاری، جرم و بزهکاری موجود است وضعیت اقتصادی خانواده در میزان ایجاد کـودک آزاری نقـش بسـزایی دارنـد میـزان خشـونت در خانواده هایی که شرایط اقتصادی نامساعدی دارند بسیار بیشتر است.(فرجاد ۱۳۸۲ ، ص ۲۰).

بند چهارم: جامعه

بیشتر مواقع اگر با کودک در جامعه رفتار صحیحی نگردد آنها به الگوهای جامعه پاسخ مثبت نمـی دهند و اگر جامعه مدرسه و خانواده دارای انضباط سخت باشند ایجـاد کشـمکش مـی نمایـد و در نهایت منجر به تضاد میان جامعه کودک و یا فرد می گردد. (الکافی ۱۳۷۲ ، ص ۱۰۷).

بند پنجم: تنبیه

در بعضی از خانواده ها کودک به خاطر اشتباهی که انجام داده است مورد تنبیه قرار می گیرد ایـن حالت ممکن است در فرد و کودک ایجاد حالت انتقاجویی نماید و در نوجوانی این انتقام جـویی بـه سمت خانواده و جامعه کشیده خواهد شد. (پورناجی ۱۳۷۸،ص ۷۸).

بند ششم: جنسی

در برخی موارد سوء استفاده جنسی کودکان که البته بیشتر دختران را شامل می شود ، جنبه کسب درآمد برای افراد دارد و آن به این طریق است که که افرادی که دارای مشکل روانی هستند به دلایل اقتصادی نیز فیلم و عکس از کودکان کرده و آن را به فروش می رساند و از این طریق برای خود کسب درآمد نیز می نمایند (پورناجی، ۱۳۷۸ ص ۵).

بند هفتم: درآمد

افراد و گروههای مختلف با هدف و دستیابی به پول و قدرت بیشتر از کودکان به بهره برداری می نمایند حتی از کودکان معلول که سر چهارراهها استفاده می شود و نیز کودکان که از طریق جنسی مورد آزار قرار گرفته و با فیلم و عکس تهیه شده از آنها به نوعی برای خود کسب درآمد دارند.(پورناجی ۱۳۷۸ ، ص ۴۰).

بند هشتم: اعتیاد

گاه پدر و مادر یا هرد دو آنها و یا یکی از اعضا بزرگتر خانواده معتاد ، یا فروشنده مواد مخدر هستند و کودک در چنین محیط جرم زایی به سر می برد و به سنین رشد نزدیک می شود. اولیاء او گاه به حبسهای طولانی محکوم می شوند که این خود سبب رنج افتادن کودک در خردسالی است.(حسین آزاد، ۱۳۸۰، ص۶۵)

بند نهم: آگاهی

آنچه وضعیت را در ایران پیچیده می نماید آشنا نبودن جامعه با پدیده ای به نام کودک آزاری است هر چند در سال های اخیر انجمن هایی چون حمایت از حقوق کودکان و سازمان ملل تلاش هایی را برای بالا بردن آگاهی های مردم در این زمینه آغاز کرده اند. ولی در بسیاری موارد ایرانیان نمی دانند کودک آزاری و راههای مختلف آن چیست؟

بند دهم: اجتماع

موقعیت کودکان در جامعه نابرابر و یا نابرابریهای اقتصادی به عنوان مهم ترین عامل تولید نابرابریهای اجتماعی قرار دارد ، جنسیت ، قومیت و نژاد به عنوان عوامل تشدید کننده در ایجاد نابرابریهای اجتماعی است و اینها با هم یک جامعه اجتماعی به حساب می آید.(اعتماد اعزازی ۱۳۸۶ ، ص ۱۴).

بخش دوازدهم: عوامل پدید آورنده کودک آزاری

عوامل پدید آورنده کودک آزاری را میتوان به چند دسته تقسیم کرد، که عبارتنداز:

بند اول: عوامل ناشی از وضعیت کودک

۱. ضعف و ناتوانی جسمی کودک:

ناشی از ناتوانی کودک در اداره زندگی خود و وابستگی او به پدر و مادر است، که این امر به صورت ویژه در کودکان نارس، عقب مانده و معلول، امری است که موجب جرات پیدا کردن کودک آزار میشود. به طور نسبی کودکانی که دچار مشکلات پایداری از این قبیل اند، بیش از دیگر کودکان، قربانی کودک آزاری شده اند.

۲. مشکلات روانی کودک:

یکی از عوامل آزار کودکان از سوی والدین، شیطنتها و رفتارهای ناهنجاری است که کودکان از خود بروز می دهند، که گاه این بی قراریها ناشی از بیش فعالی کودک است البته موارد دیگری مانند استرس و اضطراب و شب ادراری و پرخاشگری و... هم کودکان از خود نشان میدهند که نیازمند برنامه آموزشی و درمانی است اما بسیاری از والدین با تنبیه با کودک برخورد میکنند.

بند دوم: عوامل ناشی از مشکلات اجتماعی

۱. فقر اقتصادی:

به طور کلی، فقر از عوامل مؤثر در گسترش بسیاری از جرایم است

۲. مشکلات فرهنگی

برخی از مشکلات فرهنگی، منجر به کودک آزاری میشوند،

که از جمله آنها میتوان به سنتهای غلط فرهنگی در برخی قومیتها اشاره کرد سنتهایی چون تجمل گرایی، مدگرایی، عریان پوشی، سیری ناپذیری انتظارات اعضای خانواده، هر یک موجب به وجود آمدن تنشهایی در خانواده ها میشود که یکی از قربانیان این تنشها کودکان هستند.

۳. نقص یا ابهاماتی قانونی:

یکی از عوامل اجتماعی – سیاسی کودک آزاری در برخی کشورها، فقدان قوانین حمایتی از کودکان است.

۴. مشکلات محیط آموزشی

مهمترین محیط آموزشی کودکان مدارس است. مدرسه، جایی است که کودک زمان بسیار زیادی از عمر خود را در آن میگذارند. بنابراین مشکلاتی که در مدرسه برای دانش آموزان ایجاد میشود، مانند انتظار بیش از حد، ندیدن تفاوتها، اضطراب، ترس ناشی از رقابتهای شدید، تبعیض، تنبیه بدنی، تحقیر، توهین و... سبب آزارهای جسمی و روانی کودکان میشود

فقدان نظارت کارشناسانه برمراکز نگهداری کودکان و حمایت از آنها: در صد نسبتا بالایی از کودک آزاریها به مؤسسات نگهداری کننده از کودکان باز میگردد

بند سوم: عوامل ناشی از وضعیت والدین

۱. فقدان مهارتهای تربیتی

بزرگترین عامل کودک آزاریهای جسمی، عدم مهارت و ناتوانی والدین در برابر کنترل رفتار کودکانه کودک است. برخی از والدین، نزدیکترین راه برای اصلاح رفتارهای کودک خود را تنبیه بدنی میبینند، که با تکرار از سوی والدین، کودک کم کم بدان عادت میکند.

۲. فشارهای مالی

عمده کودکانی که قربانی کودک آزاری میشوند، تحت فشارهای مالی هستند. فقر سبب میشود تا کودکان از دسترسی به نیازهای اساسی خود؛ مانند آموزش، بهداشت، تغذیه، و... محروم شوند یا والدین به دلیل فشارهای مالی با رفتارهایی؛ چون پرخاشگری، خشونت، بی توجهی و... کودکان را مورد آزار قرار دهند.

۳. اختلافات خانوادگی

یکی از قربانیان مشاجرات شدید و طولانی والدین، کودکان بی گناهی هستند که در خلال این مشاجرات صدمه عاطفی و روانی میبینند. گاه در خلال مشاجرات والدین، کودکان ابزار تلافی قرار میگیرند که بر آسیبهای ایشان می افزاید. اضطراب حاصل از این فضا کودک را تحت فشار شدید روانی قرار می دهد و در نهایت ممکن است ایشان را به مشکلات رفتاری و اختلالات روانی دچار کند.(محمدحسین طارمی- پگاه حوزه ۱۳۸۸ شماره ۲۵۲)

چگونه میتوانیم از کودک آزاری پیشگیری کنیم ؟

پیشگیری همیشه بهتر ، آسانتر و سریعتر از درمان است. برای پیشگیری از کودک آزاری می توانیم از راهکارهای زیر استفاده کنیم:

۱- دقت در ازدواج و تشکیل خانواده ، خودداری از ازدواج های تحمیلی ، ناشناخته، شتابزده و ازدواج در سنین پایین.

۲- توجه به تنظیم خانواده و تعداد مناسب فرزندان

۳- افزایش آگاهی خود در زمینه پرورش فرزندان و شیوه های مناسب رفتار با آنها.

۴- پذیرش مسئولیت ها و انجام وظایف خود به عنوان پدر ، مادر ، سرپرست و... نسبت به کودکان

۵- آشنایی با حقوق و نیازهای اساسی کودکان.

چگونه می توانیم کودک آزاری را کاهش دهیم ؟

۱- کودکان را بهتر و بیشتر بشناسیم: شناخت کودکان و نیازهای آنها سبب میشود که رفتار بهتری نسبت به آنها داشته باشیم.برای این کار میتوانیم از روشهای مختلف مانند خواندن کتابهای مناسب ، شرکت در کلاسهای آموزشی ، مشورت کردن با افراد آگاه در این زمینه و... استفاده کنیم

۲- علت کودک آزاری را بشناسیم: کودک آزاری مانند هر رفتار دیگری علتی دارد. سعی کنیم علت آنرا پیدا کنیم و با بر طرف کردن آن ، کودک آزاری را کاهش دهیم.

گاهی ممکن است برخی مشکلات را نتوانیم از بین ببریم ، در آن صورت پذیرفتن آن بهتر از آزار دادن کودک است.

۳- از دیگران کمک بگیریم: کمک گرفتن و مشورت کردن نشانه هوشیاری و آگاهی است ، نه ناتوانی. برای کاهش مشکلات خود می توانیم از مراکز مشاوره حضوری ، تلفنی ، سازمانهای غیر دولتی ، افراد آگاه و... کمک بگیریم.

۴- آرامش خود را حفظ کنیم: زندگی همیشه با مشکلات همراه است ، سعی کنیم خشم خود را کنترل کرده و برای مشکلات چاره جویی نماییم.بسیاری از کودک آزاری ها در شرایطی انجام میگیرد که والدین قادر به کنترل خشم خود نیستند ، کنترل خشم ، آموختنی است و میتوانیم با تمرین بر خشم خود غلبه نماییم.

نتیجه گیری

یکی از عوامل آزار کودکان از سوی والدین، شیطنتها و رفتارهای ناهنجاری است که کودکان از خود بروز می دهند، که گاه این بی قراریها ناشی از بیش فعالی کودک است البته موارد دیگری مانند استرس و اضطراب و شب ادراری و پرخاشگری و... هم کودکان از خود نشان میدهند که نیازمند برنامه آموزشی و درمانی است اما بسیاری از والدین با تنبیه با کودک برخورد میکنند. از دیگران کمک بگیریم: کمک گرفتن و مشورت کردن نشانه هوشیاری و آگاهی است ، نه ناتوانی. برای کاهش مشکلات خود می توانیم از مراکز مشاوره حضوری ، تلفنی ، سازمانهای غیر دولتی ، افراد آگاه و... کمک بگیریم.رسانه های جمعی به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط با عموم مردم تعریف می‌شود .

رسانه های جمعی منابعی هستند که عموم مردم برای گرفتن اطلاعات از آن‌ها استفاده می‌کنند. به عنوان مثال به روشی که برای دسترسی به این اطلاعات از آن استفاده کرده‌اید، فکر کنید .به احتمال زیاد از اینترنت برای دسترسی به این صفحه وب استفاده کرده اید .استفاده شما در دسترسی به این صفحه، منبع رسانه های جمعی در نظر گرفته می‌شود. ما هنگام گوش دادن به موسیقی در اینترنت، تماشای برنامه‌های تلویزیونی یا برنام این وضعیت در طول زمان اتفاق می افتد و شدت آن می تواند از زوجی به زوج دیگرمتفاوت باشد، در طلاق عاطفی، زندگی زناشویی در زیر یک سقف ادامه خواهد یافت اما روابط عاطفی زوجین از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست. این وضعیت می تواند تا آخرعمر زوجین ادامه یابد و یا در مرحله‌ای به طلاق قانونی ختم شود. در طلاق عاطفی آسیب های وارده به فرزندان بسته به شرایط سنی و شخصیتی شان متفاوت است. مثلا اختلافات والدین و بی اعتنایی آنان به یکدیگر معمولا در کودکان کم سن و سال سبب می شود تا عادات غذایی آنها تغییر یابد و دچار کم اشتهایی شوند. در فرزندان بزرگتراختلاف ها ممکن است آنان را به احساس گناه دچا رکند و آنان فکر کنند سبب این مشکلات آنها هستند، در نتیجه خشم و رنجش خود از این موضوع را بر روی خواهر و برادر و هم سن و سالان خودتخلیه کنند. فضای مجازی و استفاده نادرست از این حوزه هم می تواند عامل و تشدید کننده طلاق عاطفی شود، پیامدهای نامطلوب طلاق عاطفی موجب می شود هر یک از زوجین تلاش کنند با برقراری رابطه‌ای جدید در فضای مجازی هیجانات و احساسات خود را بروز دهد.

منابع و مآخذ

- **فارسی**

۱. اسپاک بنجامین(۱۳۶۴)،«پرورش فرزند در عصر دشوار ما»، ترجمه هوشنگ ابرامی، تهران، نشر صفی علیشاه حسینی، صالح(۱۳۸۳) اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۷، پاییز

۲. اسکافی,م.(۱۳۹۳).اثر شبکه اجتماعی در طلاق عاطفی(مورد مطالعه شهر مشهد)دکتری تخصصی دانشگاه تهران مرکز,استادراهنمادکترفرح ترکمان.

۳. امیدوار,ی. جوکار کمال آبادی,م. پاکیزه,ع.(۱۳۹۴)مقایسه ی ویژگیهای ذاتی در زوجین متقاضی طلاق و عادی. همایش بین المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.

۴. آزادارمکی,تقی.(۱۳۹۳). "هم خانگیپیدایش شکل های خانواده در تهران",جامعه پژوهی فرهنگی,سال سوم,شماره ۱, ۴۳-۷۷.

۵. باستانی,س.گلزاری,م.روشنی ,ش.(۱۳۹۰).پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن,"فصلنامه ی خانواده پژوهی,(۲۶)۷, ۲۴۱-۲۵۷.

۶. باومن,زیگمونت,(۱۳۹۴).عشق سیال(چاپ هفتم).ترجمه: عرفان ثابتی,تهران: ققنوس.

۷. بخارایی,ا(۱ ۳۸۶). جام عه ی شناسی زندگیهای خاموش در ایران(ط لا ق عاط فـ ی)تهران: پژواک جامعه

۸. بورن,ا,(۱۳۷۹)بعدفرهنگی ارتباطات برای توسعه,مترجم: مهرسیما فلسفی,تهران: انتشارات مرکزتحقیقات,مطالعات وسنجش برنامه ای صداوسیما.

۹. بهرامی کمیل,نظام(۱۳۸۸).نظریه رسانه ها.تهران: کویر.

۱۰. پناهی، محمد حسین(۱۳۸۳)، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»،فصلنامه ی علوم اجتماعی دانشکده ی علوم

۱۱. چلبی,مسعود.(۱۳۷۵).جامعه شناسی نظم؛تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی,تهران,نی.

۱۲. حسینی,ف. نجفی,م.محمدی فر,م ,ع.(۱۳۹۸)رابطه ی پنج صفت بـزرگ شخصـیت باافســـردگی؛ نقـــش میـــانجگری عـــزت نفـــس و خودکارآمـــدی.پژوهش مشاوره,۱۸(۷۲),۱۱۴-۱۳۷.

۱۳. خدایاری.م ،فرد ر ،شهابی. ، و اکبری زردخـنـ ، اـ ۱).س ،ه ۳۸۶.(رابطه نگـ رش مـ ذهبی با رضایت مندی زنـاشویـــ ی در دانشجویان متأهل. ، خانواد ه پژ و ه ی ۱ ۰ ۶ ، -۲۰.۶۱۱

۱۴. رابرتسون، یان(۱۳۷۴). «درآمدی بر جامعه ی (بـا تاکیـد بـر نظریـه هـای کـارکرد گرایی،ستیز و کنش متقابل نمادی)»، ترجمه ی حسین بهروان، چـاپ دوم، مشـهد، نشر آستان قدس رضوی

۱۵. زمانی, س. احدی,ح,عسگری,پ.(۱۳۹۳).رابطه طـلاق عـاطفی بـا تصـویر بـدنی و کمالگرایی, مطالعات شناختی,۱ (۴),۱۱۹-۱۳۶.

۱۶. زورق ، محمد حسن(۱۳۸۹) ، «ارتباطات و آگاهی» ، تهران ، سروش

۱۷. ساروخانی ب ، (۱۳۷۵) مقـد مـه ه ای بر جامـعـه شـناسـی خانواد.تهران: سروش

۱۸. شاهرودی ، محمد حسـین(۱۳۷۶) ، «الگوهـای رفتـاری حضـرت زهـرا» ، تهـران سازمان تحقیقات نیروی بسیج

۱۹. شرفی,م(۱۳۸۳).خانواده متعادل,تهران: انجمن اولیا و مربیان.

۲۰. صفایی راد,س.وارسته فر,ا(۱۳۹۲).رابطه ی بین طلاق عاطی زوجین و زنان مراجعه کننده به دادگاههای شرق تهران۱۳۹۰.پژوهش اجتماعی,۶(۲۰),۸۵-۱۱۶.

۲۱. صمدی فرد,ح,ر.نریمانی,م. میکائیلی,ن.شیخ الاسلامی,ع.(۱۳۹۵).نقش مولفه هـای اجتنـــاب شـــناختی و باورهـــای فراشـــناختی در پـــیش بینـــی طـــلاق عـــاطفی همسران.پژوهش های مشاوره,۱۵(۵۹),۳۵-۷۵.

۲۲. عاشوری,ج. خالقی دهنوی,ف.صفاریان م ر.(۱۳۹۳). بررسی تاثیر فرا شناخت درمانی بر میزن رضایت زناشویی زنان.زن و مطالعه خانواده,۶(۲۴),۵۳-۶۵.

۲۳. کازینو,ژان(۱۳۶۴).جامعه شناسی رادیو و تلویزیون,مترجم جمشید ارجمند,انتشـارات سروش,۱۳۵۲.

۲۴. کلینی ، محمد یعقوب(۱۳۸۵) ، «اصول کافی» ، ترجمه سید جواد مصطفوی ، انتشارات ولیعصر

۲۵. گروسی فرشی,م.(۱۳۸۰),رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت,تحلیل عاملی درمطالعات شخصیت.تبریز؛نشرجامعه پژوه.

۲۶. گرینر ، جورج(۱۳۸۵) ، «رسانه در خط آتش» ، انتشارات باشگاه اندیشه منصور نژاد، محمد(۱۳۸۵)، «شکاف و گفتگوی نسل ها با تاکید بر ایران». چاپ شده در کتاب «گسست نسل ها» به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، نشر پژوهشکده ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

۲۷. گیدنز,۱۳۸۴, ۶۵

۲۸. گیوریان,حسن(۱۹۶۰).بررسی تاثیر رسانه برمسئویت اجتماعی سازمانهای دولتی,علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی,فصلنامه مطالعات رسانه ای,شماره دوازدهم.

۲۹. مجلسی ، محمد باقر (۱۴۰۳) ه.ق ، «بحارالانوار»، موسسه الوفار

۳۰. محمدپور, احمد(۱۳۹۲). روش ضد روش منطق و طرح در شناسی کیفی تهران: جامعه ، شناسان

۳۱. محمدی,ز(۱۳۸۳).بررسی آسیب های اجتماعی زنان دهه ی (۸۰-۷۰)تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

۳۲. مشیری ، مهشید (۱۳۷۴)، «فرهنگ زبان فارسی» ، تهران ، سروش معتمد نژاد ، کاظم(۱۳۸۶) ، «وسایل ارتباط جمعی» ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبایی

۳۳. معین ، محمد(۱۳۷۵) ،« فرهنگ فارسی »، تهران ، امیرکبیر

۳۴. ویمر,راجردی,(۱۳۸۴)تحقیق در رسانه های جمعی,ترجمه کاووس سید امامی,تهران: سروش.

۳۵. یاوری وثاق ، مهدیه(۱۳۸۵) ،«نقش رسانه در آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی »، مرکز پژوهش

- **منابع لاتین**

۱. Momeni, Kh. Azadifard, S(۲۰۱۵) Family Pathology, Counseling and Enrichment JournalVolume: ۱ Issue: ۲. [persian],
۲. Gottman, J. M.(۱۹۹۹) The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy. WW Norton & Company